

گزارش

آژانس جهانی انرژی پیش بینی می‌کند:

تغییر موازنه در بازار نفت و گاز

میانگین افزایش تولید روزانه نفت ایران از پایان اسفندماه ۱۴۰۳ تا پایان خردادماه امسال در حدود ۱۵۰ هزار بشکه افزایش داشته است، با این حال در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی شده که احتمالا تولید نفت ایران از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ با حدود ۳،۴ میلیون بشکه در روز درجا می‌زند و تنها خریدار نفتی ایران نیز در خوش‌بینانه‌ترین حالت همچنان فقط چین باقی می‌ماند.

بر اساس گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی، طی پنج سال پیش‌رو در بازار نفت احتمالا بارز کاملاً عوض شود و بازگرانی که طی دهه گذشته به عنوان موتور رشد عرضه و تقاضا در بازار نفت شناخته می‌شدن، دیگر جایگاه پیشین خود را در آینده حفظ نمی‌کنند. از جمله ایالات متحده که در دهه گذشته ۹۰ درصد از رشد عرضه جهانی نفت را تأمین کرد یا چین که عامل ۶۰ درصد از افزایش تقاضای جهانی بود.

آژانس پیش‌بینی می‌کند که بازار نفت به‌زودی با توازن جدیدی روبه‌رو می‌شود و علت آن هم ادامه تحولات ژئوپلیتیکی، تنش‌های تجاری، سیاست‌گذاری‌های داخلی کشورها و نیز روندهای بلندمدت در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است که موجب بازتعریف نقش کشورها در بازار جهانی نفت می‌شود.

در وهله اول بر اساس تحلیل‌های آژانس، چشم‌انداز رشد اقتصادی جهانی تضعیف شده است. این کندی در رشد اقتصادی تأثیر مستقیمی بر روند تقاضای نفت دارد و مصرف جهانی را تحت فشار قرار می‌دهد. در کنار این موضوع نیز تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، به‌ویژه در پی تبادل حملات هوایی میان ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، فضای نااطمینانی تشدید پیدا کرده است. اگرچه قیمت نفت که در آوریل و می به پایین‌ترین سطح چهار سال اخیر سقوط کرده بود، پس از این اتفاق، بار دیگر روند افزایشی خود را در پیش گرفته اما شکی نیست که تداوم جنگ‌های منطقه‌ای و نیز تغییرهای تجاری، بازار را وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی سطرده کرده است. بر این اساس، با توجه به پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی تولید نفت ایران از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ حدود ۳،۴ میلیون بشکه در روز باقی می‌ماند. صادرات نفت خام ایران نیز در سال ۲۰۲۴ به طور متوسط ۱،۶ میلیون بشکه در روز گزارش شده است. به طور تقریبی تمام این صادرات به کشور چین و به پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «تی‌پات» انجام شده است. تحریم‌های ایالات متحده در ماه‌های اخیر به‌تدریج شدیدتر شده‌اند و به طور تقریبی تمام جنبه‌های زنجیره تأمین ایران را هدف قرار داده‌اند. از این رو، در ماه می ۲۰۲۵ واردات نفت خام چین از ایران نسبت به میانگین سال گذشته، ۳۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش نشان می‌دهد که وابستگی بیش از حد به یک بازار مصرفی، آن هم در شرایط تحریم و نوسانات تقاضا، می‌تواند ایران را در معرض ریسک‌های ژرف‌تری قرار دهد. از سوی دیگر، افزایش تحریم‌های آمریکا در ماه‌های اخیر، بسیاری از زنجیره‌های تأمین، نقل‌وانتقال مالی را هدف قرار داده است.

با این حال گزارش‌ها نشان می‌دهد که ایران، در حالی که از فشار شدید تحریم‌ها رنج می‌برد، توانسته تا اینجا تولید نفت خود را قدری افزایش دهد ولی محدودیت ظرفیت مازاد، تکیه به بازار محدود چین، فشار تحریم‌ها و نبود چشم‌انداز روشن از مذاکرات، مسیر آینده را دشوار و پرهزینه کرده است. آژانس انرژی تنها راه بیرون‌رفت ایران از این وضعیت را توسعه پالایشگاهی، تنوع بازارهای صادراتی و بازنگری در سیاست‌های انرژی می‌داند که می‌تواند ایران را از یک بازیگر حاشیه‌ای به یکی از محورهای اصلی نظم جدید انرژی تبدیل کند.

این درحالی است که به نظر می‌رسد آمریکا برای افزایش فشار بر ایران برای به نتیجه رساندن مذاکرات، درصد افزایش فشار به چین برای توقف خرید نفت از ایران و روسیه است و خطر فعال‌شدن مکانیسم ماشه علیه ایران نیز بیشتر از همیشه احساس می‌شود. بر این اساس برخی تحلیلگران داخلی پیش‌بینی می‌کنند که در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه یا هرنوع افزایش فشار علیه ایران، احتمال دارد نته‌ها نتوانیم بازار فروش را گسترش دهیم که حتی فروش نفت کشورمان به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه هم برسد. جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) درباره گاز نیز توضیح می‌دهد که تقاضای گاز طبیعی در منطقه خاورمیانه و آفریقا در سال ۲۰۲۵ با رشد دودرصدی همراه خواهد بود و در سال ۲۰۲۶ با شیب تند به ۳،۵ درصد خواهد رسید که اصلی‌ترین تقاضا در بخش نیروگاهی است. این درحالی است که گزارش ماه آوریل بانک جهانی نیز دیدگاهی مشابه ارائه کرده و اعلام داشته که پس از رکودی نسبی در سال ۲۰۲۵، مصرف جهانی گاز در سال ۲۰۲۶ به‌ویژه در بازارهایی چون آسیا-اقیانوسیه و خاورمیانه، افزایش خواهد یافت.

در سال ۲۰۲۶، انتظار می‌رود تقاضای گاز در آسیا بیش از چهار درصد افزایش یابد و حدود نیمی از رشد تقاضای جهانی را به خود اختصاص دهد. در آمریkaa شمالی نیز رشد تقاضای گاز کمتر از یک درصد خواهد بود که عمدتا ناشی از مصرف در بخش تولید برق است. در مقابل، مصرف گاز در اروپا در سال آینده با کاهش دودرصدی روبه‌رو خواهد شد که ناشی از رشد انرژی‌های تجدیدپذیر است.

طبق پیش‌بینی IEA، در سال ۲۰۲۶ بخش صنعت و نیروگاه‌ها حدود نیمی از افزایش تقاضای گاز را تشکیل خواهند داد. همچنین، مصرف گاز در بخش نیروگاهی ۳۰ درصد از رشد کل را به خود اختصاص خواهد داد، در حالی که مصرف خانگی و تجاری مشروط به شرایط آب و هوایی نرمال حدود یک درصد افزایش خواهد داشت. گزارش IEA تأکید می‌کند که ثبات ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه برای امنیت انرژی جهانی بسیار حائز اهمیت است. به گفته این نهاد، خاورمیانه ۳۰ درصد از تولید نفت و ۱۸ درصد از تولید گاز جهان را به خود اختصاص می‌دهد و حدود یک‌چهارم صادرات جهانی LNG و یک‌سوم صادرات جهانی اوره نیز از این منطقه انجام می‌شود.

در پی درگیری اخیر ایران و اسرائیل، تولید گاز طبیعی در میدان‌های لویتان و کاریش اسرائیل به طور موقت بین ۱۳ تا ۱۵ ژوئن متوقف و صادرات لوله‌ای گاز به مصر و اردن نیز قطع شد که موجب کاهش تولید کودهای شیمیایی شد. همچنین حمله به یک سکو در فاز ۱۴ میدان پارس جنوبی در ایران، تولید روزانه را حدود ۱۲ میلیون مترمکعب کاهش داد. با این حال، پس از اعلام آتش‌بس میان دو طرف، روند تولید و صادرات گاز به‌تدریج به حالت عادی بازگشت. آژانس افزایش اولیه قیمت‌ها در پی این درگیری را ناشی از نگرانی‌ها نسبت به احتمال بسته‌شدن تنگه هرمز خوانده که گذرگاهی حیاتی میان ایران و عمان است و نقش کلیدی در صادرات نفت و LNG دارد.

گفتنی است تقاضای گاز طبیعی در حالی رو به افزایش است که ایران از این نظر نیز چشم‌اندازی مناسبی ندارد، چراکه میدان گازی پارس جنوبی که بیش از ۷۰ درصد گاز کشور را تأمین می‌کند، این روزها با هندلارهای بی‌سابقه‌ای پیرامون افت فشار و افول تولید روبه‌رو شده و کشور ما که صاحب دومین ذخایر بزرگ گاز جهان است، اکنون سالانه حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب کسری دارد و تولید کشور حتی قادر نیست به یک‌سوم نیاز گاز پاسخ دهد.

مریم شکرانی؛ وضعیت آب در تهران وخیم است و پایتخت برای سیراب‌کردن شهروندان خود چشم‌انتظار بارش‌های پاییزی نشسته است. دولت در اقدامی بی‌سابقه ناچار شده است شهر را برای روزهای تعطیل کند و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، به‌صراحت گفته است: «فردا ممکن است آبی برای نوشیدن نداشته باشیم». گرچه میزان بارش‌های تهران تفاوت چندانی با میانگین کشوری ندارد اما چیزی نزدیک به یک‌پنجم جمعیت کشور در پایتخت زندگی می‌کنند و این فشار سنگین اسکان جمعیت در تهران، سبب شده است ماچرا به قطع طولانی آب آشامیدنی شهروندان بینجامد. حالا فرانزه صادق، وزیر راه و شهرسازی، در گفت‌وگو با «شرق» به عزم جدی دولت برای توسعه سواحل جنوب کشور و مکران و زمینه‌سازی برای مهاجرت معکوس از تهران می‌گوید. پزشکیان هم که یکشنبه‌شب پنجم مرداد به صورت سرزده به ساختمان وزارت راه و شهرسازی رفته بود، بار دیگر بر انتقال پایتخت به سواحل مکران تأکید کرده و گفته بود: «مشکل کمبود آب در تهران شوخی‌بردار نیست و باید به شکل اضطراری پیگیری شود، نباید اجازه دهیم که بارگذازی‌ها در تهران بیش از وضع موجود شود».

تهران در وضعیت اضطراری آب

وضعیت آب در تهران وخیم است. بنفشه زهرایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، در یک نشست خبری گفته امسال بارش‌های کشوری ۴۰ درصد کمتر از حد نرمال بوده است و استان‌های فارس، سمنان و یزد بارش زیر ۵۰ درصد نرخ نرمال را تجربه می‌کنند. بنا به توضیحات این استاد دانشگاه، تهران وضعیت دشوارتری دارد، چراکه پایتخت در چهار سال گذشته خشک‌سالی پیایی را تجربه می‌کند.

او در ادامه توضیح داده که از نیمه دهه ۷۰ خورشیدی، تغییر محسوسی در بارندگی‌های تهران رخ داده، به طوری که ۱۹ سال بارندگی‌های تهران زیر متوسط کشوری بوده و این شاخص فقط هفت سال بالای متوسط بوده است. بنا بر اعلام وزارت نیرو در حال حاضر، فقط ۲۱ درصد سدهای پنج‌گانه تهران پر شده و نیمی از این مقدار حجم مرده‌ای و رسوبات است. در این میان ذخایر برخی سدها مانند سد لار نزدیک به صفر است. گذشته از این، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری امسال برای چندمین بار است که نسبت به وضعیت آب تهران هشدار می‌دهد. آخرین بار او در پنجشنبه گذشته و در نشست شورای برنامه‌ریزی استان زنجان گفته بود: «فردا ممکن است آبی برای نوشیدن نداشته باشیم». او توضیح داد: «بحران آب امروز از مشکلات جدی جامعه است و همه آمارها نشان از پایین‌بودن مخن‌ها، نزولی‌بودن منابع آبی و حرکت به سمت خشک‌سالی است. اگر مصرف آب را کنترل و مدیریت نکنیم، در شهریرو مهر در پشت سدها آبی باقی نمی‌ماند و با مشکلات جدی مواجه خواهیم شد».

این تمام ماجرا نیست و تهران بعد از سیستان‌بلوچستان، دومین استان فقیر از نظر منابع آبی به شمار می‌آید. بر اساس آمار وزارت نیرو سرانه آب هر شهروند تهرانی حدود ۳۵۰ مترمکعب است اما این شاخص در کشور ۱۶۰۰ مترمکعب برآورد می‌شود. به عبارتی سرانه آب مردم تهران کمتر از یک‌چهارم مردم کشور است. سرانه پایین آب در تهران نه به دلیل کاهش بارندگی‌ها، که به دلیل تراکم بی‌رویه جمعیت در این‌کلان‌شهر است. متوسط بارندگی در تهران حدود ۲۸۰ تا ۲۸۰

وزیر راه و شهرسازی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

بحران آب تهران، توسعه مکران را جدی کرد

میلی‌متر است که این عدد از متوسط ۲۵۰ میلی‌متری کشور بالاتر است اما در پهنه استان تهران حدود ۱۵ میلیون نفر ساکن هستند. به عبارتی در یک درصد مساحت کشور، حدود ۲۰ درصد جمعیت کل کشور سکونت دارند. این فشار سنگین به منابع آب تهران سبب شده است که پایتخت فرونشست هشداردهنده زمین را تجربه کند. بر اساس گزارش سازمان نقشه‌برداری، نرخ فرونشست زمین در ایران حدود پنج برابر میانگین جهانی است و در حالی که متوسط فرونشست سالانه زمین در ایران ۲۰ سانتی‌متر است رقم فرونشست زمین در جنوب غرب تهران تا ۳۱ سانتی‌متر می‌رسد. همچنین بر اساس گزارش مرکز تحقیقات راه و شهرسازی در منطقه ورامین تهران، شکاف فرونشستی کم‌نظیری وجود دارد که طول آن حدود سه کیلومتر و از معین‌آباد تا جاده گرمسار به قاسم. بر اساس گزارش این مرکز، فرونشست زمین در تهران خطوط راه‌آهن، باند فرودگاه، دکل‌های برق، مخازن سوخت و ایستگاه‌های پمپ‌بنزین و خطوط لوله انتقال گاز را تهدید می‌کند.

تراکم جمعیت در تهران، ۳ برابر استاندارد جهانی

با تمام این احوال اما، ساخت‌وساز بی‌رویه و جمعیت‌پذیری در تهران ادامه دارد. تراکم استاندارد شهرسازی سکونت ۵۳ تا ۶۰ نفر در هکتار است. اما تراکم جمعیتی در تهران به ۱۲۰ تا ۱۴۰ نفر در هر هکتار می‌رسد. در واقع تهران حدود دو تا سه برابر میزان استاندارد جمعیت دارد. نکته مهم اینکه در پروژه‌هایی مانند نهضت ملی مسکن تراکم جمعیت ۵۰۰ نفر در هر هکتار می‌رسد. بر اساس آنچه اداره کل راه و شهرسازی استان تهران در نودونهمین جلسه شورای مسکن این استان مطرح کرده است، برای ۳۰ هزار متقاضی نهضت ملی مسکن در این استان فقط دو میلیون مترمربع زمین تخصیص داده شده و این یعنی تراکم جمعیت در این پروژه‌ها حدود ۴۹۵ نفر در هر هکتار خواهد بود. تراکم جمعیت در تهران به حدی نفس‌گیر است که بر اساس گزارش استانداری تهران، جمعیت شرق استان تهران از برخی استان‌های کشور بیشتر است؛ جمعیتی که بالغ بر دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود. برای درک جمعیت‌پذیری بی‌رویه در تهران باید گفت که استان تهران با جمعیتی بیش از ۱۲،۵ میلیون نفر، حدود ۹ برابر بی‌چنگ (یک) پایتخت چین تراکم جمعیت دارد. این تراکم بالای جمعیت در تهران باعث شده است بسیاری از امکانات شهری مانند فضای سبز قربانی ساخت‌وساز شود. بررسی آمار شهری نشان می‌دهد مساحت فضای سبز فقط ۱۰ درصد مساحت شهر تهران را در بر می‌گیرد. در پاره‌ای از مناطق این میزان بسیار پایین‌تر است. در کل منطقه ۱۰ تهران فقط ۳،۲۵ درصد شهری به فضای سبز اختصاص دارد و ۱۲۲ بلوک شهری از کل ۱۲۵ بلوک فاقد هرگونه فضای سبز است. حالا اما وخامت اوضاع از رفاه شهری گذشته و به حداقل امکانات زیست رسیده است. به گونه‌ای که اسما تابستان، دولت مجبور شد برای رساندن آب آشامیدنی به شهروندان تهرانی، شهر را تعطیل کند. هرچند همچنان گزارش‌هایی از قطع طولانی آب در تهران و بازار داغ مخزن ذخیره آب و پمپ آب شنیده می‌شود و تهران برای سیراب‌کردن شهروندان خود، چشم‌انتظار بارش‌های پاییزی مانده است. ساخت‌وساز بی‌رویه در تهران علل متعددی دارد؛ یکی از ریشه‌ای‌ترین علل آن توسعه نامتوازن کشور و تمرکز صنایع و مشاغل در تهران است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تهران حدود ۴۵ درصد صنایع کشور را در اختیار دارد و سهم آن از تولید

یادداشت

جذب سرمایه در مناطق آزاد؛ چالش‌ها و راهکارها



مهدی دل‌روشن

مناطق آزاد تجاری-صنعتی به عنوان یکی از ابزارهای مهم توسعه اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، نقش مؤثری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) ایفا می‌کنند. تجربه‌های موفق جهانی نشان می‌دهد با سیاست‌گذاری‌های درست، این مناطق می‌توانند به کانونی برای رشد صادرات، اشتغال‌زایی و انتقال فناوری تبدیل شوند. بااین‌حال، ایران در مسیر بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها با چالش‌هایی روبه‌روست.

کشورهایی مانند امارات (دوبی)،

سنگاپور، چین (شنژن) و لهستان نمونه‌هایی موفق از مناطق آزاد هستند. ویژگی‌های کلیدی در موفقیت آنها عبارت‌اند از:

- ثبات مقرراتی و شفافیت حقوقی: سرمایه‌گذاران خارجی نیاز به قوانین روشن و بدون تغییرات مداوم دارند.
- مشوق‌های مالیاتی مؤثر: معافیت‌های مالیاتی هدفمند و قابل پیش‌بینی، مهم‌ترین ابزار رقابتی برای مناطق آزاد است.
- زیرساخت‌های فنی و لجستیکی: دسترسی آسان به شبکه حمل‌ونقل، اینترنت پرسرعت و خدمات گمرکی روان، جدایت منطقه را افزایش می‌دهد.
- سادگی فرایندهای اداری: کاهش بوروکراسی و ایجاد پنجره واحد برای ثبت شرکت، اخذ مجوز و ترخیص کالا.
- نیروی کار ماهر و آزان: وجود منابع انسانی توانمند و رقابتی، عامل تعیین‌کننده برای بسیاری از سرمایه‌گذاران است.
- در ایران اما تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های بانکی، نبود ضمانت‌های حقوقی مؤثر برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، نابسامانی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، ضعف در تبلیغات بین‌المللی و برندینگ مناطق آزاد، زیرساخت‌های ناکافی در برخی مناطق، فقط بخشی از عواملی است که مناطق آزاد را از توسعه واقعی بازداشته است.

قطعا تحریم‌ها در حال حاضر پاشنه آشیل مناطق آزاد ایران محسوب می‌شود. در سال ۲۰۲۴، شنژن چین با جذب عمده سرمایه‌گذاری خارجی (میلاردها دلار) و افزایش چشمگیر شرکت‌های نوظهور، نشان داد با سیاست‌های حمایتی و زمینه قانونی بزم می‌توان به عنوان قطب منطقه‌ای FDI عمل کرد. جلی‌علی دویی هرچند پذیرای ۳۰ میلیارد دلار FDI جمعی تا ۲۰۲۳ بوده، با رشد تجارت ۱۵ درصد در ۲۰۲۴، همچنان جذاب باقی مانده و FDI سالانه خود را در حد میلاردها دلار حفظ کرده است. در لهستان نیز تجربه ساختار SEZ (مناطق ویژه اقتصادی) که تا بیش از ۳۱۴ میلیارد یورو سرمایه جمعی جذب کرده‌اند، الگوی خوبی برای توسعه مناطق آزاد جدید در ایران محسوب می‌شود.

اما کل سرمایه‌گذاری خارجی محقق‌شده مناطق آزاد ایران در سال ۱۴۰۳، حدود ۱۵۵ میلیون دلار بوده است. آیا با این اعداد می‌شود با مناطق آزاد دیگر جهان رقابت کرد؟ نکته ترازنگ اینجاست که بخشی از این عدد ۱۵۰ میلیون دلاری نیز نقدی نیست و با محاسبه تجهیزات و ماشین‌آلات منظور شده است.

تجربه‌های موفق جهانی و درس‌هایی برای ایران

برخی پارامترها در موفقیت‌های یک منطقه آزاد تجاری نقشی محوری و تعیین‌کننده دارند که آنها را باید اساس توسعه و پیشرفت مناطق دانست:

–شفافیت و ثبات مقرراتی، مثل استفاده از داوری بین‌المللی و قراردادهای بلندمدت

–مشوق‌های مالی هدفمند، مانند جبران هزینه‌ها و ارائه معافیت‌های مالیاتی برای پروژه‌های صادرات‌محور یا فناوری‌محور

–توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیکی (در مشابهن با Jafza) به همراه تسهیل تجارت خارجی

–بهبود فرایندهای اداری و پنجره‌های واحد برای تأمین شرکت‌های خارجی (الهام از مدل شنژن)

–برندسازی بین‌المللی مناطق آزاد با هدف جذب سرمایه‌گذاران برجسته جهان.



شورای عالی مبارزه با پول‌شویی اما ظهور و حضور این نهادها اغلب به دلیل عدم تعامل با یکدیگر یا ناهماهنگی و بعضاً تداخل وظایف با تعارض عملکرد آنها از تأثیر این نهادها کاسته است. افزون بر آن سامانه‌های پیشرفته تحلیل تراکنش‌ها هنوز به شکل گسترده و کارآمد استقرار نیافته‌اند و آموزش تخصصی نیز به صورت مستمر و سازمان‌یافته دنبال نمی‌شود.

اصلاح این وضعیت نیازمند یک بازنگری بنیادین در نگرش سیاست جنایی کشور است. بدیهی است که می‌بایست تمرکز رویکرد جنایی، از «واکنش پس از وقوع جرم» به «پیشگیری هوشمند» تغییر یابد. این تغییر مستلزم اقداماتی چون تشکیل یک نهاد ملی هماهنگ با اختیارات اجرایی کافی، توسعه سامانه‌های فناوریانه، بازنگری در قوانین ناکارآمد یا متداخل، افزایش سطح آموزش تخصصی برای نیروهای عملیاتی و البته تعامل فعال با نهادهای بین‌المللی است.

در پایان باید اذعان کرد در جهانی که جرائم اقتصادی و بانکی روز از پیچیدگی و سرعت بیشتری برخوردار می‌شوند و جلوه‌هایی نو پدید می‌یابند، اتکا به سیاست‌های سنتی، راهی به سوی مهار این تهدیدها نخواهد گشود. آنچه امروز مورد نیاز است، تلفیق دانش حقوقی با ابزارهای فناوریانه، سازوکارهای شفافیت و ساختارهای نهادینه هماهنگ است. سیاست جنایی موفق، سیاستی است که نه در واکنش، بلکه در پیش‌بینی و پیشگیری ریشه دارد.

توجهی احتمال وقوع جرم را کاهش می‌دهد. تمامی مؤسسات مالی موظف‌اند تراکنش‌های مشکوک مالی را از طریق سامانه‌های یکپارچه‌ای که برای تبادل اطلاعات میان بانک‌ها و نهادهای نظارتی شکل گرفته است، گزارش کنند. از همین رو، فناوری نیز نقش مهمی در این ساختار ایفا می‌کند. تحلیلگران هوش مصنوعی، ابزارهای داده‌کاوی و آموزش مستمر کارکنان مالی و قضائی، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که موجب بهبود امکان نظارت و افزایش تأثیر پیشگیری شده‌اند.

از دیگر عناصر مهم در سیاست جنایی فرانسه، همکاری‌های بین‌المللی ساختارمند است. عضویت فعال در نهادهایی همچون گروه ویژه اقدام مالی در یورپول و اینترپل، فرانسه را قادر ساخته است در سطحی فراملی با شبکه‌های جرائم اقتصادی مقابله کند. این تعاملات نه‌تنها امکان ردیابی منابع مالی مشکوک را فراهم کرده‌اند، بلکه موجب افزایش انسجام داخلی نیز شده‌اند؛ چراکه تبادل داده‌ها، انطباق رویه‌ها و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، بستر تصمیم‌گیری‌های مؤثر داخلی را تقویت خواهد کرد. در مقایسه تطبیقی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که موفقیت فرانسه نه از طریق شدت مجازات‌ها، بلکه از رهگذر ساختارسازی هوشمند، آموزش تخصصی، به‌کارگیری فناوری و هماهنگی فراهادی حاصل شده است. در نقطه مقابل، همین عوامل، دقیقاً نقاط ضعفی هستند که در سیاست جنایی ایران دیده می‌شوند. در ایران، علی‌رغم وجود نهادهایی مانند مرکز اطلاعات مالی و